

## بیت‌الحکمه بغداد در کجای این شهر قرار داشت؟

عبدالجبار ناجی

ترجمه: فرزانه آجرلو

پرسی که بخش بررسیهای تاریخی بیت‌الحکمه بغداد و نیز مورخان این شهر دایماً با آن مواجه هستند این است که بیت‌الحکمه در کجا قرار داشته است، بیت‌الحکمه ای که به روی غرب لاتینی گشوده شد و در دوران ظلمت و جهل، علوم قدیم و منابع علم و معرفت در آن در تراجم و اصطکاک بودند. از قرن یازدهم، اروپائیه‌ها در اندلس، صقلیه و دیگر نقاط اروپا به ترجمه تألیفات عربی‌ای که از بیت‌الحکمه آمده بود به زبان لاتین و دیگر زبانها روی آوردند. اینان اسامی و تألیفات جابر بن حیان، خوارزمی و ابن‌سینا را زنده به گور کرده و گاه این تألیفات را به خود نسبت داده، و یا آنها را ترجمه و در نهضت علمی‌شان مورد تکیه قرار می‌دادند.

در واقع، تحقیقات و در ضمن آنها پایان‌نامه‌های دانشگاهی زیادی درباره بیت‌الحکمه‌ها و دارالعلم‌ها و بیت‌الحکمه عباسی وجود دارد، اما مؤلفین آنها سهواً یا عمداً از مسأله موقعیت جغرافیایی بیت‌الحکمه به دور مانده‌اند. و از اینجاست که راه به تمامی در برابر آراء، احتمالات و تفسیرات باز شده است. آیا بیت‌الحکمه اساساً عبارت بوده از خزانه‌ای در یکی از قصرهای عباسی، و در این صورت آیا فعالیتش را در قصرهای غربی بغداد آغاز کرده یا قصرهای شرقی، آیا این قصر، قصری خاص و منحصر به فرد بوده که این نام را به خود پذیرفته، یا اینکه رصدخانه‌ای بوده که مأمون آن را بنا نهاد، یعنی رصدخانه شماسیه (صلیخ فعلی). دشواری این سؤال از آنروست که روایتی در ردّ یا اثبات این احتمال وجود ندارد، و از همین رو همه تفاسیر، وارد و صحیح دانسته می‌شوند، بخصوص در مورد رسالت اساسی که ساختمان بیت‌الحکمه بر آن متمرکز است.

سؤال پیشین را به این صورت هم می‌توان مطرح کرد. آیا بیت‌الحکمه کتابخانه‌ای بوده شامل کتابهای مرجع عربی و خارجی که در تاریخ باصطلاح «خزانه» شناخته شده، یا مرکز پژوهشی علمی که علماء و مترجمین را در مرکزی گردآورده که شامل این خزانه است و یا مرکز پژوهش، تحقیق و ترجمه.

در بررسی این تفاسیر، قصه‌ای را پیش رو داریم درباره مأمون بن هارون الرشید و عالم نحو معروف ابوزکریا یحیی بن زیاد مشهور به فرّاء. ابو بریده وضّاحی روایت می‌کند که خلیفه فرّاء را مأمور ساخت تا کتابی را برایش تصنیف کند که جامع میان اصول نحو و آنچه از عرب در این باره شنیده باشد، خلیفه دستور داد تا حجره‌ای به امر او اختصاص دهند، و کنیزان و خادمی را نیز به خدمت او گماشت که می‌بایست وی را فراهم آورند، تا مبادا فکرش به چیزی مشغول شده و یا

میل کند، تا جائیکه در اوقات نماز برایش اذان نیز می‌گفتند. مأمون نویسندگانی را به خدمت او گماشت، و کسانی را نیز به عنوان امین و اهل فن. این نویسندگان مطالب را برای وی می‌نگاشته اند تا اینکه کتاب الحدود را تدوین می‌کند. وضّاحی ادامه می‌دهد: مأمون دستور به جمع کتب او در خزانه داد، وی پس از فراغت از این امر به میان مردم رفت و شروع به املاء کتاب المعانی نمود، دو نویسنده همراه وی ابن‌عاصم و ابونصرین جهم بودند. ابوبریده می‌گوید: بر آن بودیم که تعداد کسانی که برای املاء کتاب المعانی اجتماع کردند را به شماره درآوریم، اما نتوانستیم. پس از پایان املاء کتاب، نویسندگان آن را به دور از دسترس مردم و در خزانه نگهداری نمودند تا از طریق آن پولی بدست آوردند، و آن را تنها در اختیار کسی که می‌خواست آن را نسخ کند<sup>۱</sup> قرار می‌دادند. نتیجه مهم این روایت طرح ظراتی است پیرامون موقعیت بیت‌الحکمه و ساختار درونی و علمی و گسترده آن، بگونه‌ای که این تعداد قابل توجه از دانشجویان و مراجعین را در خود جای می‌داده است.

این ساختمان در واقع عبارت است از سرسرای بزرگ و وسیعی که حجره‌های فراوان داشته، اما از حضور کنیزان و خادمان در این مکان بدست می‌آید که یکی از قصرهای خلیفه بوده است. بر این اساس، این بحث به بررسی رویکردهایی می‌پردازد که در تعیین مقصود، مفید فایده هستند:

**۱- رویکرد اول:** ویژه اصطلاحی است که کاربرد آن در تألیفاتی که در بحث از اصول بیت‌الحکمه بر آنها تکیه می‌کنیم معمول است. تسلسل تاریخی در تحول این اصطلاح بکار برده شده، همان «خزانه» در شکل انحصاری آن است، که در زمان منصور وجود داشته و بدون شک مقصود از آن خزانه کتب مخصوص به خلیفه بوده است. معروف است که ابوجعفر منصور بطور جدی به رصد تألیفات فلسفه و طب و گردآوری و جمع آنها اهتمام داشته است. خزانه در آن زمان در قصر منصور بوده و همین طور در زمان خلافت مهدی و خلفای پس از وی، در واقع خزانه کتب خلیفه در قصر وی بوده، گویی این خزانه خاص در زمان خلافت هارون‌الرشید که به توجه به گردآوری کتب قدیم یونان از دو شهر عموریه و آنکارا معروف بوده، تحول یافته است.

منکه هندی طبیب مخصوص خلیفه، کتابهای هندی را ترجمه و به فارسی و عربی ترجمه می‌کرده است. نمایندگانی از سوی هارون‌الرشید برای جمع کتب مهم و کمیاب موجود در خزائن آنها در فلسفه و منطق و طب و فلک و نجوم فرستاده می‌شده اند، از این رو از خزانه‌ای خاص به خزانه‌ای بزرگ تبدیل شده که احتمال می‌رود مورد استفاده عموم قرار می‌گرفته است. اصطلاح « خزانه الحکمه » از این زمان پیدا شده و باز هم احتمال می‌رود که این خزانه تبدیل به مرکز ترجمه و پژوهش گشته، و یوحنا بن ماسویه (یحیی بن ماسویه نیز خوانده می‌شود) که عالمی اهل تصنیف و طبیبی کارآزموده بوده، رئیس بخش ترجمه در این خزانه گردیده و فردی نیز برای مساعدت وی در این بخش<sup>۲</sup> و ترجمه کتب طبی از سریانی به عربی تعیین شده است. در این دوره و صحیح‌تر آنکه در دوره خلافت مأمون اصطلاح بیت‌الحکمه که هم‌اکنون نیز رایج می‌باشد، پیدا شده است.

**۲- رویکرد دوم:** مربوط به جنبه زبانی است. بیت در نگاه زبان‌شناسان برای موارد کوچک و بزرگ بکار می‌رود، همانطور که به خباء (پناهگاه) «بیت» اطلاق می‌شود، به قصر و دار نیز «بیت» گفته می‌شود. حتی به مساجد هم بیوت اطلاق می‌شده است (بنگرید به: ماده «بیت» در ابن‌منظور و زبیدی). بیت به همین معانی در تاریخ تأسیس شهرها در عراق، بصره و کوفه آمده است. در سال ۱۶ یا ۱۷ آتش‌سوزی عظیمی در خیمه‌های «عرایش» این دو شهر که از نی درست شده بود به وقوع پیوست. به دنبال آن ابوموسی اشعری والی بصره از خلیفه عمر بن خطاب خواست تا با ساخت بناها با گل پخته موافقت کند، او نیز پذیرفت، مشروط به اینکه هیچ کس بیش از دو خانه نسازد. در روایتی دیگر خلیفه می‌گوید: این کار را انجام دهید و بناها را مستحکم کنید، اما هیچ‌یک از شما

<sup>۱</sup> الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد یا مدینه الإسلام ج ۱۴، ص ۱۴۹-۱۵۰، یاقوت‌الحموی (ت ۶۲۶)، معجم‌الادباء (مطبوعات دارالمأمون، ۱۹۳۸)، ج ۲۰، ص ۱۲-۱۳، ابن‌النباری، کامل‌الدین عبدالرحمن، نزهة الأبناء فی طبقات الأطباء، ابن‌خلکان، احمد بن محمد (ت ۶۸۱)، و فیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، (طبعة بیروت) ج ۶، ص ۱۷۷

<sup>۲</sup> القفطی جمال‌الدین، تاریخ‌الحکماء، ص ۲۴۹، ابن‌جلجل، طبقات‌الأطباء، ص ۶۵، ابن‌ابی‌اصیبه، عیون‌الأنباء در طبقات‌الأطباء، ص ۲۲۹



تأکید بر فهم یا تصنیفی است که منسوب به یونان است. خداوند حکمت را به انبیاء بخشیده است، مانند: داود و عیسی علیهما السلام و رسول خدا (ص) و لقمان حکیم (ع).

فقال تعالی: « رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ »<sup>۱۱</sup>، « كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ »<sup>۱۲</sup>، « وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ »<sup>۱۳</sup>، « أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا »<sup>۱۴</sup>، « وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ »<sup>۱۵</sup>، « هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ »<sup>۱۶</sup>، « وَ شَدَدْنَا مُلْكَهُ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَضَّلْنَا الْخِطَابَ »<sup>۱۷</sup>، « وَ لَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِأَيِّينَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا »<sup>۱۸</sup>.

در هر صورت، تخصیص وارد در آیات کریمه که ذکر گردید، به نسبت تعبیری از «حکمت» به معنای علم که در مورد آن بحث شد، بیشتر از آن چیزی است که در مورد کلمه □□□□□□ غالب و رایج است.

بطور خلاصه، خزانه الحکمه، حجره و بیت مخصوص تألیفات قدیم و یونانی و غیر یونانی - کتب فلسفه و منطق - وضوح بیشتری دارند. دو رویکردی که گذشت مسأله مهمی را مطرح می‌سازند و آن اینکه اگر مکان یا موضع خاصی وجود داشت - همانطور که در مورد مدرسه نظامیه یا مدرسه مشهد امام ابوحنیفه یا مستنصریه می‌بینیم - مشخص ساختن آن از ناحیه مورخین قدیم امری واجب می‌بود. بنابراین از ابتدا در الحاق و پیوسته به قصر خلیفه بوده، البته این سردرگمی باقیست که کدام قصر خلفاء بیت الحکمه بوده، زیرا خلفای عباسی غالباً قصرهای زیادی داشته و برای هر خلیفه‌ای قصر خاص وی بوده است. از همین رو احتمالاتی هست که وضعیت خزانه کتب ویژه قصرهای خلیفه را روشن می‌سازد.

11 . سوره بقره، آیه ۱۲۹

12 . سوره بقره، آیه ۱۵۱

13 . سوره آل عمران، آیه ۴۸

14 . سوره نساء، آیه ۷۴

15 . سوره لقمان، آیه ۱۳

16 . سوره جمعه، آیه ۲

17 . سوره جمعه، آیه ۲۰

18 . سوره زخرف، آیه ۶۳

۱- احتمال اول: در مورد قصر ابوجعفر منصور، معروف به قصر باب‌الذهب که در شهر مدوره بوده، احتمال می‌رود که خلیفه ساخت این خزانه را در این قصر شروع کرده که زیاد به طول نینجامیده است. پس از حدود ۱۰ سال شروع به تأسیس قصری بیرون از شهر مدوره و در مکانی زیبا و مشرف به دجله کرده که اطراف آن را باغهای عجیب و گسترده فرا گرفته بوده، این قصر خلد نام داشته که آن را در کنار دیر عتیق در ساحل دجله بنا نهاد و دری دارد که مشرف بر نهر است و به پلی می‌رسد که برای عبور به جانب شرقی است. با اینکه خلیفه در آنجا ساکن نبوده اما خزانش از قصر باب‌الذهب به قصر خلد منتقل شده، قصر خلد همواره در معرض تحولات عمرانی بوده و جایگاه مهمی پس از وفات منصور و به خصوص در دوران خلافت هارون الرشید داشته است. بطوری که منطقه مجاور آن به محله وسیعی تبدیل شد که محله الخلد<sup>۱۹</sup> نام گرفت و بعضی از ادباء و اهل فرهنگ در آنجا ساکن بوده اند. موقعیت فعلی آن در کنار پل صرافیه است، جایی که بیمارستان عضدی در کنارش ساخته شده و مکان بیمارستان بر قصر غالب است. قصر خلد بسیار وسیع بوده، بخصوص اینکه منصور باغهای دیر عتیق را نیز به آن ملحق کرده است. قصر او یکی از قصرهایی است که احتمال وجود خزانه‌الحکمه در آنست.

۲- اما پسرش مهدی که در رصافه ساکن بوده، قصری نزدیکی مسجد رصافه (مسجدالعسکر) بنا نهاد، اما مدت زیادی در آن ساکن نبود، زیرا قصری دیگر در منطقه عیساباذ (منسوب به عیسی بن مهدی)<sup>۲۰</sup> برادر هادی بنا کرد. این منطقه در شماسیه (صلیخ) واقع است و در ساحل دجله. در هر حال مهدی و موسی هادی مدت زیادی در این قصر ساکن بودند. ابن کازرونی مورخ می‌گوید که مهدی به مناسبت افتتاح این قصر مراسم جشن بزرگی برپا کرد که شعراء خطبا و بزرگان<sup>۲۱</sup> در آن حضور داشتند. آنچه بر اهمیت این قصر دلالت دارد و در موضوع مورد بحث مفید است، روایت یاقوت حموی است که از آن دانسته می‌شود این قصر محل اجتماع علماء، شعراء و راویان بوده و در حوزه‌های علم و معرفت<sup>۲۲</sup> به مناظره می‌پرداختند، طبق این روایت خزانه‌الکتب به یک مرکز علمی تبدیل گشت، و شاید صحیح آنست که این قصر بعد از قصر خلد «خزانه‌الحکمه» را در بر داشته است.

۳- موضوع خزانه به قصر مهمی نیز مرتبط است که شامل دو قصر حسنی و تاج است و در نزدیک‌ترین احتمال به موقعیت جغرافی‌ای که ما به دنبال آن هستیم، زیرا این دو قصر در سمت شرق بغداد واقع‌اند. طبق نقشه مستشرق آلمانی «ماکسیمیلیان ستریک»<sup>۲۳</sup> تقریباً روبروی مسجد قمریه در سمت غربی که مقابل بیت‌الحکمه کنونی است قرار دارند. قصر حسنی اساساً توسط جعفر برمکی ساخته شد. جعفر بن یحیی در زمان هارون الرشید آن را بنا نهاد تا اوقات سرگرمی‌اش را در آن به دور از چشم خلیفه بگذارند. قبل از پایان ساخت، آن را به مأمون (پیش از خلافتش) هدیه کرد، زیرا دارای آب و هوای سالمی بود.<sup>۲۴</sup> مأمون پس از کشته شدن جعفر به آنجا رفت و قسمتهای دیگری نیز به آن افزود: میدان اسب‌سواری، میدان چوگان و محلی برای نگهداری حیوانات وحشی (باغ وحش). او همچنین دری برای این قصر از سمت شرقی که مشرف به شهر بود قرار داد، و نهری را به درون قصر جاری ساخت، این نهر از نهر معلی منشعب

<sup>۱۹</sup> ابن قتیبه الدینوری، المعارف (تحقیق: ثروت عکاشه، مصر، ۱۹۶۹م)، ص ۳۸۱، الخطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۸۰، العمرانی محمدبن علی، (ت ۵۸۰)، الإنباء فی تاریخ الخلفاء (تحقیق: قاسم السامرائی)، لیدن، ۱۹۷۳م، ص ۲۹۷.

<sup>۲۰</sup> یاقوت‌الحموی، معجم‌البلدان (بیروت)، ج ۴، ص ۱۷۲-۱۷۳.

<sup>۲۱</sup> ابن‌کازرونی، ظهیرالدین (ت ۶۹۷): مختصرالتاریخ (تحقیق: د.مصطفی جواد/بغداد، ۱۹۷۰م) ص ۱۱۸-۱۱۹.

<sup>۲۲</sup> یاقوت‌الحموی، معجم‌الأدباء، ج ۱۹، ص ۱۶۵.

<sup>۲۳</sup> ستریک، مکسمیلیان، خطط بغداد و أنهارالعراق‌القدیمه (ترجمه: خالد إسماعیل علی، بغداد، ۱۹۸۶م)، (خارطة بغدادالشرقیه)

<sup>۲۴</sup> الخطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۹۹، قرن چهارم هجری/دهم میلادی، ص ۱۰.

می‌شد که به دجله می‌ریخت. به نقل از مورخ بغدادی ابن‌ساعی، قصر حسنی از زیباترین، کاملترین و محبوبترین قصرهای مأمون بوده و این به جهت اشراف آن بر دجله و داشتن باغها و درختان بوده است. این قصر شکارگاه و تفریحگاه وی و کاملاً از شهر جدا بوده و به عنوان میدانی برای دویدن و بازی با توپ و چوگان استفاده می‌شده است.<sup>۲۵</sup> مأمون پس از ازدواج با پوران دختر حسن بن سهل، او را به این قصر برده و از این رو آن را قصر حسنی نامیده، زیرا آن را به پدر پوران «حسن» بخشید. پس از پوران، معتمد به این قصر آمد و در همین قصر نیز وفات نمود، با اینکه در آن زمان خلافت به سامرا منتقل شده بود. پس از او معتضد در آنجا ساکن شده و بخشهای عمرانی جدیدی را به آن اضافه کرده و آن را گسترش داده، تعدادی خانه و زمینی جدا به عنوان میدان، به دور قصر و میدان دیواری ساخت و تونلی نیز میان قصر حسنی و قصر ثریا که حدود دو کیلومتر از آن فاصله داشت برای رفت و آمد کنیزان و اهل حرم به دور از دید مردم ایجاد کرد. معتمد در نزدیک قصر حسنی، قصر جدیدی متصل به آن بنا کرد، به نام قصر التاج، اما پیش از تکمیل آن به قصر ثریا رفت. پس از او مکتفی به تکمیل و اتمام آن اهتمام نمود و قصر تاج مقر اصلی خلیفه گردید.

قصر تاج در ساحل دجله قرار داشت<sup>۲۶</sup>، به نظر می‌رسد این قصر بیرون از دیوار دارالخلافة‌ای که دکتر مصطفی جواد تعیین کرده، در شریعه سموأل بوده است. ابوبکر صولی در کتابش «أخبارالراضی و المتقی»، در حوادث سال ۳۲۹ آورده که، امیرالأمراء کورتیکن بر محمدبن رائق در دارالخلافة بغداد حمله برد، هنگامی که به آنجا رسید، درها را بسته دید، از این رو از سمت شرق وارد قصر تاج شد و ابن‌رائق از همین سمت که خارج از دیوار بود شروع به تیراندازی کرد<sup>۲۷</sup>. مکتفی برای قصر مسیلی ساخت که تا دجله ادامه داشت، قصر تاج قصری مرتفع و مبنی بر پنج کنگره بود و هر کنگره‌ای دارای ده ستون و ارتفاع هر ستونی سه متر. قصر مشرف بر این مسیل و همانند یک تاج بوده، در کنار این قصر گنبد بلندی ساخته شد معروف به قبةالحمار. زیرا خلیفه سوار بر الاغش بر بالای آن می‌رفته، این گنبد به شکل نیم‌دایره و پله‌هایی که از آنها به بالای گنبد می‌رفته شبیه ملویه سامراء بوده است<sup>۲۸</sup>.

خلیفه تنها به این بناها اکتفا نکرد، بلکه ملحقات عمرانی دیگری را نیز در اتصال با قصر تاج ایجاد کرد. پس از مکتفی، مقتدر قصر تاج را قصر خلافت خود قرار داد (دوران خلافت وی ۲۹۵-۳۲۰) و بناهای آن را نیز بیشتر نمود. حیر یا باغ وحش قصر ۹ هزار حیوان از جمله اسب و قاطر و شتر را شامل بود که هر کدام اصطبلهایی پیوسته به قصر داشته اند<sup>۲۹</sup>. قصر تاج همچنان نقش عمرانی و مرکزی مهمی بین قصرهای دیگر دارالخلافة داشته و از این لحاظ در مقام قصر حسنی بوده و شاید هم قصر حسنی به قصر تاج ملحق شده باشد. طبق توصیف یاقوت حموی در معجم‌البلدان آنجا سرایی بسیار باشکوه، وسیع و مشهور بوده است. در سال ۵۴۹/۱۱۵۴ بنا بر گفته یاقوت حموی، قصر در معرض صاعقه‌ای قرار گرفت که آن را نابود ساخت. این صاعقه آتش‌سوزی هولناکی را سبب شد که ۹ روز ادامه داشت و قصر را تبدیل به ذغال کرد<sup>۳۰</sup> و آیتی عظیم بود.

25. ابن‌الساعی، علی بن‌أنجب (ت ۶۷۴)، نساء الخلفاء المسمی جهات الائمه الخلفاء من الحرائر و الإمام (تحقیق: مصطفی جواد، دارالمعارف/مصر، بلا تاریخ)، ص ۷۴-۷۸

26. قدّم یاقوت‌الحموی در معجم‌البلدان (متوفی به سال ۵۷۵)، ج ۲، ص ۳-۵ و ص ۲۶

27. الصولی ابوبکر، أخبارالراضی بالله و المتقی بالله من کتاب الأوراق (ط ۲)، نشر ج هیوراث، طبعه ۱۹۷۹م)، ص ۲۰۷

28. معجم‌البلدان، ج ۲، ص ۵

29. الخطیب البغدادی، تاریخ، ص ۱۰۳، یاقوت‌الحموی، معجم‌البلدان، ج ۲، ص ۴

30. همان، ص ۵

مقتفی در دوران خلافتش ۵۳۰ - ۵۵۵ سعی در بازسازی این بنا نمود. او ابتدا از ساخت گنبد شروع کرد و آن را به همان صورتی که بود با گچ و آجر و بدون نیاز به ستونهایی که از جنس مرمر بود<sup>۳۱</sup>، بنا نهاد. اما او این کار را نیمه تمام گذاشت و این قصر تا سال ۱۱۷۸/۵۷۴ مخروبه باقی ماند. خلیفه پس از وی، مستضی ۵۶۶ - ۵۷۵ مستقیماً به بازسازی قصر پرداخت. وی بناء قدیمی را از بین برد و مسیل جدیدی بنا کرد که بر مسیل قدیمی برتری داشت و بناهایی جدید را در خطی مستقیم از مسیل ساخت. او مصالح بجا مانده از قصر مخروبه پیشین را در بازسازی آن، در کنار ابزار جدیدی که برای ساخت این مسیل مهیا بود، بکار گرفت. وی پس از آن مکان جدیدی را ساخت که صحن نام داشت و محل جلوس خلیفه بود و دوباره حیات و پویایی به قصر بازگشت. یاقوت حموی در ادامه می‌گوید: «و آن قصریست که امروزه به "تاج" معروف است»<sup>۳۲</sup>.

روایت یاقوت حموی در مورد آتش‌سوزی ای که در قصر تاج درگرفت، به دلیل تفصیلی که از آن شده در نهایت اهمیت است و عجیب آنکه این‌جوزی مورخ بغداد بر این حادثه تکیه زیادی نکرده است و به همین مقدار اکتفا کرده که صاعقه‌هایی در بغداد به وقوع پیوست و بعضی از آن بر قصر تاج که مسترشد آن را ساخته بود وارد شد (معلوم می‌شود که مسترشد آن را بعدها تعمیر و ترمیم نموده، زیرا این قصر پیش از او بوده است) شعله‌های آتش بالا گرفت و چند روز ادامه داشت و بسیاری از بناها را سوزاند<sup>۳۳</sup>.

این‌جوزی که هم دوره این حوادث بوده، نه تنها تفصیلی درباره آتش‌سوزی قصر تاج ذکر نکرده، به مسأله تعمیر مجدد آن در زمان مستضی، نیز نپرداخته است. عجیب آنکه، مستضی در سال ۱۱۷۰/۵۶۶ خلافت را به دست گرفت و برای بیعت به قصر تاج رفت و بعد از بیعت به نماز برخاست<sup>۳۴</sup>. و این در وقتی است که قصر همانطور که ذکر آن رفت - طبق روایت یاقوت حموی - مخروبه بود. وی در این سال مصالح بجا مانده از قصر مخروبه‌ایکه خلیفه سابق مستجد ساخته بود را برای تحکیم مسیل قصر بکار بست<sup>۳۵</sup>، و این نشان می‌دهد که قصر به آن صورتی که یاقوت حموی تصویر کرده - اینکه قصر بعد از آتش‌سوزی تبدیل به ذغال شد - درنیامده است. قصر تاج بعد از بازسازی، قصر مستضی و فرزندان وی گشت، در سال ۶۲۳ با مستنصر در این قصر بیعت شد، وی زیر گنبد نشسته و مشرف بر بستان تاج بوده است<sup>۳۶</sup>. این نام در سال ۱۲۳۰/۶۲۸ و ۱۲۴۵/۶۴۳ نیز آورده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، محقق بر قصر تاج تکیه می‌کند، زیرا اوصاف معماری و مسیل (آبگیر) آن شبیه به قصرالحسنه است که از آن مختصر سخن خواهیم گفت و هم‌اکنون در کنار بیت‌الحکمه قرار دارد.

۴- در ورودی بیت‌الحکمه تابلویی نصب است - پیش از حوادث ۲۰۰۳ و تخریب و غارت آن - که در آن چنین متنی است: «این بنا با عنوان قصر ام‌حبیب دختر هارون الرشید ساخته شد». نمی‌دانیم چه کسی به این نتیجه دست یافته که محل کنونی بیت‌الحکمه نشان از قصر ام‌حبیب دارد، داستان این قصر چیست و ام‌حبیب کیست، و چرا قصرش انتخاب گردیده تا طبق نظر این فرد، بیت‌الحکمه عباسی قرار گیرد.

31 . همان

32 . همان

33 . ابن‌الجوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم (چاپ حیدرآباد)، ج ۱۰، ص ۱۵۷

34 . همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳

35 . همان، ج ۱۰، ص ۲۳۵

36 . ابن‌الکازرونی، مختصر، ص ۲۵۸

روایتی وجود دارد که بیان می‌دارد، ام‌حبیب دختر هارون الرشید، نام مادرش مارده، و خواهر ابواسحاق معتصم<sup>۳۷</sup> بوده است. اما طبق روایتی دیگر، مأمون نیز دختری به نام ام‌حبیب داشته و او را در سال ۲۰۲ به ازدواج علی بن موسی الرضا و دختر دیگرش ام‌فضل را به ازدواج محمد بن علی بن موسی<sup>۳۸</sup> درآورده است. ظاهر امر تنها در حوادث مستعین با سربازان ترک در سال ۲۵۱ معلوم می‌گردد. در جریان محاصره بغداد از سمت رصافه توسط اتراک، والی بغداد محمد بن عبدالله مستعین را که در آن زمان در قصر مهدی در رصافه ساکن بوده، در فحرم و در قصرش جای داده، مستعین از آنجا به خانه عمه‌اش ام‌حبیب دختر رشید رفته و اموال و خزائن و سلاحها و فرشهایش را نیز از خانه محمد بن عبدالله به همراه خود برده است<sup>۳۹</sup>. طبق روایت طبری ام‌حبیب دختر رشید در سال ۲۶۷<sup>۴۰</sup> وفات یافت، با فرض صحت این خبر، ام‌حبیب عمری طولانی داشته، مهم اینست که قصر ام‌حبیب در کجا واقع است. ابتدا بر توصیف یاقوت حموی تکیه می‌کنیم، وی در معجمش می‌گوید: «قصر ام‌حبیب دختر رشید از اماکن شرقی بغداد مشرف به خیابان میدان و ملک عبّاد بن خصیب بوده است، سپس تمامی آن متعلق به فضل بن ربیع و پس از وی ام‌حبیب دختر رشید- در زمان مأمون- و پس از او نیز متعلق به دختران خلفاء گردید»<sup>۴۱</sup>. یعقوبی تأکید می‌کند، قصر فضل بن ربیع در میدان قرار داشت و خانه عبّاد بن خصیب نیز در همان جا واقع بود.

خطیب بغدادی آورده است، قصر ام‌حبیب ملکی است که خلیفه (مهدی) آن را به عماره (مولای منصور و یا مولای روح بن حاتم) بخشید، و آن را در پیوست قصرهای سوق العطش و المحزم قرار داد. خیابان میدان از خیابانهای زیبای بغداد بوده که گفته می‌شود، پادشاه روم زمانیکه شهر بغداد و بازارها و قصرها و رودهای آن را تصویر کردند<sup>۴۲</sup>، شیفته آن خیابان شد. برای توضیح بیشتر، امتداد خیابان میدان متصل به خیابان الأعظم (المعظم) است که از محله فحرم (عیواضیه) به سمت جنوب کشیده شده و از در بازار الثلاثاء که مرحوم مصطفی جواد آن را مشخص کرده، می‌گذرد. ابتدای بازار الثلاثاء میدان کنونی است<sup>۴۳</sup>، از آنجا بخشی از خیابان الأعظم منشعب شده و با عبور از میان عیواضیه و بستان زاهر که مساحتش به ۲۰۰ جریب می‌رسد (هر جریب حدود ۱۵۹۲ متر) هم‌جهت با دجله ادامه می‌یابد. خیابان میدان از قصر ام‌حبیب و قصر فضل بن ربیع می‌گذرد و به موازات نهر دجله امتداد دارد تا به در بازار الثلاثاء می‌پیوندد. با دقت در مساحت وسیع بستان زاهر، قصر ام‌حبیب که مشرف بر خیابان میدان است، شاید در مکانی است که اکنون بیت‌الحکمه در آن واقع است. البته شاید هم به منطقه‌ای که اکنون مدینه‌الطب در آن واقع است نزدیکتر باشد نه بیت‌الحکمه. با این وجود تفصیلی درباره این قصر وجود ندارد، پس چرا اعتقاد بر این است

37. الطبری محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک (تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف)، ج ۸، ص ۳۶۰/۹، ص ۱۳۲

38. همان، ج ۸، ص ۵۶۶

39. همان، ج ۹، ص ۳۳۹

40. همان، ج ۹، ص ۵۷۴

41. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۵۵

42. الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۹۳

43. د. مصطفی جواد و د. احمد سوسه، دلیل خارطة بغداد (بغداد ۱۹۵۸)، ص ۱۱۸



که بیت‌الحکمه کنونی، خانه‌ای مسکونی بوده نه قصری بزرگ و یا اینکه از قصرهایی نبوده که احتمال وجود اتاقهایی برای مطالعه و سکونت طلاب و پژوهش و خزانه و بخشهایی از این دست در مورد آن باشد.

با این همه، پذیرفتن این نظر بطور قطع و همانگونه که در تابلوی مذکور آمده است، بسیار قابل تأمل است (اثبات یارد) و قطعیتی در آن نیست، در حالیکه رأی مبنی بر اینکه این مکان قصر تاج است صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۵- و بالاخره، قصری که در ارتباط با این موضوع اهمیت خاصی دارد، قصرالحسنا یا دارالحسنا که طبق نظر مرحوم مصطفی جواد<sup>۴۴</sup>، همان قصر عباسی کنونی و چسبیده به بیت‌الحکمه است، البته مرحوم ناجی نیز قائل به تفسیر دیگری است و آن اینکه آثار بر جای مانده از بنایی که گمان می‌رود قصر بوده، متعلق به مدرسه شرایبه است که شرف‌الدین اقبال شرابی در سال ۶۲۸ آن را در سوق‌العجم واقع در شارع‌الأعظم تأسیس نمود، خیابانی که از رصافه تا درب سوق‌الثلاثاء امتداد دارد. در نظر دکتر ناجی معروف<sup>۴۵</sup>، سوق‌العجم تا حد زیادی نزدیک به ورودی شارع‌الرشید و سوق‌الهرج فعلی است.

طبق روایتی از سبط بن جوزی در مورد کارهای خلیفه ناصرالدین، وی خانه‌ای معروف به دارالمسناه ساخت، کتب نفیس را به آنجا منتقل نمود و خزانه‌ای ارزشمند ایجاد کرد. وی این خانه را محل اجتماع علماء و گفتگوی ایشان قرار داد. خلیفه در انتخاب کتب دارالمسناه (دارالعلم) بر ابورشید حاسب ملقب به «برهان» اعتماد نمود و او کسی بود که کتبی را برای مدرسه نظامیه و کتابخانه رباط‌الاخلایه انتخاب کرد. قفطی در کتابش «تاریخ الحکماء» می‌گوید: ابوعباس محمد در زمان ناصرالدین انتخاب و مورد ارج و قرب قرار گرفت و در انتخاب کتب وقف شده برای رباط‌الخاتونی سلجوقی و مدرسه نظامیه و دارالمسناه معتمد بود. خلیفه وی را به خزائن‌الکتب دارالخلافة برد و تنها وی را برای انتخاب کتابها برگزید<sup>۴۶</sup>.

آنچه در موضوع مورد بحث دارای اهمیت می‌باشد اینست که دارالمسناه که احتمال می‌رود قصر عباسی باشد، همان قصریست که محتمل است قصر تاج با مسیل قدیم و جدیدش بوده، میراث علمی بیت‌الحکمه عباسی سابق باشد. ناصرالدین نسبت به کتب موجود در خزانه دارالخلیفه اهتمام زیادی داشته و آنها را در خزانه دارالمسناه که علماء در آنجا گفتگو می‌کردند نگهداری می‌کرده، گواهی شاهدان عینی تأکید بر مکان دارالمسناه یا قصر عباسی دارد که خلیفه مخصوص پژوهش و علم گردانیده بود، جهانگرد اندلسی ابن جبیر کنانی متوفی به سال ۶۱۴، در سال ۵۸۰ در بغداد بوده و در محله قریه در سمت غربی، روبروی مدرسه مستنصریه و شارع‌المستنصر سکونت داشته و در اثناء حضور در بغداد به توصیف آنجا پرداخته است. وی دو مرتبه ناصرالدین را سوار بر قایقی زیبا دیده است که از ایوان قصرش در دارالخلافة که مشرف بر نهر بوده به سمت بالاترین نقطه سمت شرقی قصر که مشرف بر شط بوده، می‌رفته است.<sup>۴۷</sup> آنچه بر اینکه این مکان همان قصر المسناه یا قصر عباسی و شاید هم قصر تاج است تأکید دارد، بقای آن پس از تخریب بغداد توسط مغول است، در سال ۶۳۵ خلیفه مستنصر امر به تعمیر دیوار بغداد نموده و کار را میان امیران تقسیم کرده است. سهم دیوان ائینه تعمیر بخشی از دیوار بوده که بعد از دارالمسناه قرار داشته، در سال ۶۴۱ در زمان مستنصر، آب دجله به شدت بالا آمد و محله‌ای را که روبروی سوق‌السلطان و پشت مسجد شهر قرار داشت تخریب کرد، از این رو مردم نماز جماعتشان را سمت

44 . همان، ص ۱۸۶-۱۸۷

45 . د. معروف ناجی، المدرسة الشرایبه (طبعة/بغداد، ۱۹۶۸)، ص ۶

46 . سبط‌البن الجوزی، أبو المظفر (ت ۶۵۴)، مرآة‌الزمان فی تاریخ‌الأعیان (طبعة حیدرآباد-الهند/ ۱۹۵۱م)، جزء ۸، ص ۶۳۷، القفطی، جمال‌الدین، تاریخ‌الحکماء من کتاب أخبار العلماء فی اخبار الحکماء (طبعة مصورة بأوفست/المتنی)، ص ۲۶۹، د. جواد مصطفی، (القصر‌العباسی فی القلعة ببغداد و هو دارالمسناه العتیقة)، نشر فی مجلة سومر مجلد ۱/۱۹۴۷، ص ۷۵-۷۷، و یمیل الأستاذ یعقوب سرکیس الی هذا الرأی ایضاً، مباحث عراقیة (بغداد ۱۹۵۵م)، القسم‌الثانی، ص ۷.

47 . ابن جبیر، محمد بن احمد الکنانی الأندلسی (ت ۶۱۴)، رحلة ابن جبیر (طبعة ثانیة، طبعة لیدن/۱۹۰۷م)، ص ۲۲۷.

خندق که بعد از دارالمسناه بود می‌خوانند<sup>۴۸</sup>. در سال ۶۴۵ آب دجله افزایش شدید یافت و به سمت دارالمسناه سرازیر شد و بغداد را فرا گرفت، هوا طوفانی بود، دیوار آجری بعضی برجها را تخریب کرد و از مکانهای پرتاب تیر خارج شد، زیرا این مواضع مستحکم بودند، دیوار گلی را نیز تخریب و خاک آن را همراه برد و آب از باب‌الغربه<sup>۴۹</sup> به بیرون سرازیر شد. اشاره به باز شدن دیوار نزدیک مسیل و اثر آن در بالا آمدن سیل در بغداد، نشان از ضخامت مسیلی دارد که مستضیء برای دفع خطر سیل آن را بنا نمود و اینکه باب‌الغربه که پیوسته به دارالخلافه بوده نزدیک به دارالمسناه است، و این چیزی است که مرخج می‌دارد این مکان همان قصر تاج یا بخشی از آن است. در سال ۶۸۰ خلیفه صاحب دیوان<sup>۵۰</sup> را دستگیر و اخراج کرد، دستهای او را بست و او را زیر دارالمسناه که بالای بغداد و بر ساحل دجله بود انداخت. در سال ۶۹۶ معلوم شد که دارالمسناه مکانیست برای دفن، و علی بن علاء صاحب دیوان در آنجا کشته شده و در دارالمسناه بالای بغداد دفن شده است. این مکان پس از آن تبدیل به رباط گردید، علی بن علاء را از آنجا منتقل ساخته و بار دوم در کنار مادرش در رباط مجاور متعلق به مدرسه عصمیه<sup>۵۱</sup> در کنار مزار عبیدالله (مزار ام‌رابعه در اعظمیه) دفن کردند.

لازم به ذکر است، وصفی که در دوران اخیر درباره قصرالتاج آمده، مشابه به وصفیست که راجع به دارالمسناه شده، به عنوان مثال راوی حادثه می‌گوید: «همه به پائین قصر تاج در ساحل دجله رفته و زیر خانه ساحلی که پنجره‌های زیبای داشت ایستادند». طبق گفته مرحوم مصطفی جواد، سازمان آثار باستانی عراق به بررسی قصر عباسی و بناهایی که قصر در آنها واقع است پرداخته و بر این عقیده است که این آثار متعلق به سه دوره اصلی هستند. دوره اول که قدیمی‌ترین دوره است مربوط به بنای اصلی قصر است و بر اساس ارزیابی کمیته تحقیق و پژوهش تاریخ آن به حدود ۷ قرن پیش از تاریخ این بررسی (دهه ۵۰) می‌رسد، اما طبقه دوم که به شکل برج است مربوط به دورانی است که توپخانه مورد استفاده قرار می‌گرفته و طبقه سوم عبارتست از مخازن و اتاقهایی که به مصر اضافه شده و در واقع عثمانیند.

سازمان آثار باستانی همه بخشهای تازه احداث شده در دوره‌های دوم و سوم را تخریب کرد و به بازسازی ساختمانهای اصلی قصر که آثار تاریخی و محل بازدید از میراث عربی به شمار می‌آیند، اهتمام ورزید.<sup>۵۲</sup>

احتمالات ذکر شده را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- ۱- بازنگری در این مسأله که بیت‌الحکمه همان قصر ام‌حبیب است، به علت عدم وجود دلایل کافی در مورد شکل معماری این قصر و اینکه اگر این قصر تا به این اندازه اهمیت داشت، مأمون آن را بیت‌الحکمه قرار می‌داد.
- ۲- بیت‌الحکمه و همراه آن خزانه، مراحلی چند را گذرانده، ابتدا با ساخت بنای قصر خلد، پس از آن عیساباد که احتمال می‌رود در ساحل دجله در شماسیه واقع بوده باشد، مهم‌تر از آن قصر حسنی و قصر تاج است که در موضوع بیت‌الحکمه به جهت بزرگی و موقعیت و توجه مأمون به آن دارای اهمیت است. با وجود اینکه در معرض آتش‌سوزی هولناکی قرار گرفت، در زمان مستضیء بازسازی شد و پس از آن تا بعد حمله مغول همچنان پابرجا بود. این قصر بعد از ترمیم، تعمیر

48 . الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المقالة السابعة (تحقیق: د.بشار عواد، طبعه اولی، بیروت، ۱۹۹۷م)، ص ۱۳۹.

49 . همان، ص ۲۱۴.

50 . همان، ص ۲۷۶.

51 . همان، ص ۴۵۳.

52 . همان، ص ۵۵۳.

و بازسازی توسط ناصرالدین در سال ۵۷۶ به دارالمسناه معروف شد و همان قصریست که کتابخانه‌ای غنی داشته و کتابهای آن توسط امین کتابخانه نظامیه و کتابخانه رباط‌الآخلاقیه «برهان» انتخاب شده است و نیز دارای تالار یا تالارهای مناظرات است، زیرا در آن به گفتگوی علمی با علماء می‌پرداخته است.<sup>۵۳</sup>

\*\*\*

